

# تقویت رهبری انقلاب

## وظیفه تمام انقلابیون راستین است

تأطیع امام خمینی در نبرد انقلابی برای واژگون کردن رژیم خونخوار و دست نشانده پهلوی باعث شد که آن وحدت عمل خلقی بی مانند حاصل شود که حکومت مہیب شاهخائن را درهم شکند و راه را برای تأمین استقلال و آزادی کشور بگشاید. در شخصیت بی ترس و آشتی ناپذیر امام خمینی، آرمان و آرزوی تمام طبقات و اقشاری از خلق ستمدیده و غارت شده ایران تجسم یافت که خواستار رهایی کشور از یوغ سلطه امپریالیسم تاراجگر و حکومت پهلوی - این ساطور اعمال قدرت حاکم امپریالیسم در ایران - بودند. پیروزی انقلاب رها بخش ملی، دموکراتیک و خلقی ایران با نام امام خمینی انجام گرفت.

اینها واقعاتی است که همه میدانند، از جمله ضد-انقلاب و بهمین دلیل ضد انقلاب با تمام نیرو و با تمام وسائل کونا کونی که در زرادخانه خود دارد، میکوشد رهبری امام خمینی را تضعیف کند.

امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی متحدان، با تبلیغات مشحون از دروغ و افتراء، حاصل انقلاب ایران را نوعی حکومت استبدادی قلمداد میکنند و این سکه قلب را با استفاده از روحیه کسانی که «آزادی» خود را در سوار شدن بر گردن مردم، محدود شده احساس میکنند، رواج میدهد. این تبلیغات زهر آگین که در «رنکین نامه‌های» داخلی منعکس میشود، تمام آن بدبختی‌هایی که از رژیم خائن واژگون شده سابق باقی مانده، بهای رهبری کنونی انقلاب میکندارد. از شایعه - سازی گرفته تا ایجاد وحشت، از خرابکاری و کار شکنی آشکار گرفته تا شمارهای ظاهراً فریبنده، ولی تفرقه افکنانه، همه وسائل برای ایجاد روحیه گریز از مرکز رهبری بگرمی رود.

امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی در راه رسیدن بساین هدف، دو نیروی بالقوه متحدی دارند که خواسته یا ناخواسته، ولی عملاً و بالفعل در همان راه گام بر میدارند. یکی ارتجاع راست، چه مذهبی و چه غیر مذهبی است، که نسبت به مشی قاطع ضد امپریالیستی، استقلال طلبانه و آزادیخواهانه امام خمینی همواره مخالف خوانی میکنند. دیگری گروهکهای «چپ‌نما» که ظاهراً میخواهند انقلاب را به پیش بتازانند، ولی در عمل بر سر راه پیشرفت آن، از طریق مخالفت دائم با حل منطقی و ممکن هر مسئله‌ای در تمام زمینه‌ها مانع می‌شوند. ارتجاع راست، در برابر هر توجیهی که امام مطرح می‌سازد، «پیشنهاده» مخالفی از راست درجته دارد. «چپ‌نماها» نیز جز مخالفت و وظیفه دیگری برای خود نمی‌شناسند.

در این میان بخشی از یک قشر اجتماعی، که خود را «روشنفکر» میدانند، بویژه آسپه‌نیز است. برای ایجاد هراس در همین قشر است که ضد انقلاب ندا میدهد که «صدای نملین فاشیسم» بگوش میرسد. از سوی دیگر برای جدا کردن همین قشر از جنبش انقلابی است که «چپ‌نماها»، این انقلاب را حتی انقلاب نمیدانند.

خلاصه تلاش مذبحخانه برای تضعیف رهبری انقلاب از جانب ضد انقلاب بی‌تقاب و متحدین بالقوه و بالفعل آن، یعنی ارتجاع راست و گروهکهای «چپ‌نما» شدت گرفته است. تضعیف رهبری انقلاب معنا و نتیجه‌ای جز کار شکنی در کار انقلاب ندارد. کل این کار شکنی تا آنجا پیشرفته که شخص امام در معرض توهین و اهانت قرار می‌گیرد.

این وضع انجام وظیفه مهمی را در برابر نیروهای راستین انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی ایران قرار میدهد. این وظیفه عبارت است از تقویت رهبری امام خمینی در جهت ریشه کن کردن ریشه‌های گندیده رژیم واژگون شده شامخلوع، در جهت تخریب تمام پایگاههای سلطه امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا در ایران، در جهت لجام زدن به گروههای راست، که زیر نقاب هواداری از مذهب، با افسار کسبشکلی به آزادیهای فردی و اجتماعی تجاوز میکنند و با ایجاد محیط رعب و وحشت، هم قشرهای ترقیخواه و آزادیخواه مردم را از خط سیاسی امام دور میکنند و هم به تبلیغات امپریالیستی و ارتجاعی بهانه میدهند. غفلت از انجام این وظیفه، میدان دادن به ضد انقلاب است.

حزب نو ده ایران همه انقلابیون راستین، تمام احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی صادق به انقلاب را دعوت میکند که برای خفتی کردن تلاش ضد انقلاب در تقویت رهبری انقلاب، رهبری امام خمینی، چه در گفتار و چه در کردار، بگوشند. شرایط مشخص انقلاب رها بخش ملی، دموکراتیک و خلقی ایران چنین وظیفه‌ای را در برابر نیروهای انقلابی صادق قرار داده است. در اجرای این وظیفه باید کوشید.

### در صفحات بعد میخوانید:

#### حداقل دستمزد کارگران حد مطلوب نیست

(صفحه ۳ - ستون اول)

● از طریق توطئه دامنه داری در رنکین نامه‌ها:

ضد انقلاب بختیار را نامزد ریاست جمهوری ایران کرد!

(صفحه ۸ - ستون دوم)

● امپریالیسم آمریکا، دشمن آزادی و استقلال همه خلقهای جهان

(صفحه ۷ - ستون اول)

● ابعاد فاجعه آفرین یک «تجربه» نقد فیلم (صفحه ۶ - ستون اول)

● از اخگر شعله بر میخیزد! شعری از موج - (صفحه ۸ - ستون اول)

● ساکنان افسریه چه میخواهند؟ (صفحه ۴ - ستون سوم)

● کتاب سوزان و حمله وسیع ضد انقلاب به آزادی‌های دموکراتیک (صفحه ۵ - ستون اول)

# مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴  
چهارشنبه ۲۷ تیرماه ۱۳۵۸  
تک شماره ۱۵ ریال

# اصل

## محتوی قانون اساسی است

در هفته نامه معروف «عصر جدید»، چاپ شوروی، شماره ۲۸ (ششم ژوئیه ۱۹۷۹) مقاله مفصلی در تحلیل اوضاع کنونی ایران، زیر عنوان «در مرحله گذار»، بقلم کروئی خین، درج شده است. ما ترجمه بخشی از این مقاله را، که مربوط به مهمترین مسئله روز، یعنی قانون اساسی است نقل میکنیم. بقیه در صفحه ۷

# برای بزرگداشت شهیدان ۳۰ تیر

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه اعضاء، هواداران و دوستان حزب و همه عناصر مہین پرست و آزادیخواه دعوت میکند که با شرکت وسیع خود در مراسم بزرگداشت شهیدان ۳۰ تیر ۱۳۳۹، اراده خود را برای تحقق اتحاد سازبختی نیروهای خلق در مبارزه به خاطر دفاع از دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران ابراز دارند.

● روز جمع: جمعه ۲۹ تیرماه ۱۳۵۸

● ساعت تجمع: ۵ بعد از ظهر

● محل تجمع: پل سیمان - جاده قدیم تهران - شهر ری

● مسیر حرکت: از پل سیمان بسوی ابن بابویه، مزار شهیدان ۳۰ تیر

● یادآوری: کسانی که هیچگونه دسترسی به وسائل نقلیه ندارند، می‌توانند از اتوبوسهایی که در محل تقاطع خیابان فروردین - انقلاب در ساعت ۳/۵ بعد از ظهر روز ۲۹ تیرماه آماده حرکتند، استفاده کنند.

دبیرخانه کمیته مرکزی

حزب توده ایران

۲۶ تیرماه ۱۳۵۸

# مار کسبیم، اخلاقیات، معنویات

یک بحث ساده فلسفی درباره یک سفسطه رایج مخالفان و دشمنان مار کسبیم

عناصر راست گرا شیوه «راحتی» را برای مردود شمردن مار کسبیم برگزیده‌اند: ابتدا به مار کسبیم «راحتی» و ابطالی نسبت میدهند، سپس با سبکدستی ثابت میکنند که آن ابطالی در واقع ابطالی است! فهو المظلوم! مثلاً میگویند که گویا مار کسبیمها فقط به «مادیات» می‌اندیشند و لذا اخلاق و معنویات در نظر آنها هیچ است و برای ایمان و وجدان و شرف و دیگر فضائل «محلّی از اعراب» قائل نیستند و برای آنها، به منظور نیل به هدفهای شیطانی، هر وسیله‌ای مجاز و مطلوب است! البته این انسابات به ایدئولوژی مارکسیستی از بیخ و بن نادرست است. ایدئولوژی انقلابی مارکسیسم - لنینیسم جای بزگی برای اخلاقیات و معنویات باز میکند. بدون داشتن آرمان، بدون داشتن ایمان، بدون انسان دوستی، بدون عاطفه و تفکر در راه جامعه و مہین، بدون عشق به تمدن و فرهنگ، بدون آمادگی برای ایثار عزیزترین چیزها و از آن جمله زندگی خود در راه رهایی ستمدیدگان، بدون عشق به صلح و همبستگی و دوستی انسانها، یک مارکسیست مارکسیست نیست. یک انقلابی، انقلابی نیست. انقلابی مارکسیست سراپا سرشار از عواطف مقدس و هیجانات پاک انسانی است. این شرط بایسته و ناگزیر است.

مارکس میگوید، به هدفهای شریف تنها با وسایل شریف میتوان دست یافت و مارکسیسم شیوه مالکول را رد میکند. اگر چنین نبود، مارکسیست‌ها نمی‌توانستند انگیزنده بزرگترین جنبشهای انقلابی تاریخ معاصر باشند، نمی‌توانستند بر بقیه در صفحه ۴

# توجه!

گزارش راه پیمائی روز سه شنبه ۲۶ تیرماه، که حزب توده ایران نیز در آن شرکت داشت، در شماره آینده به اطلاع خوانندگان گرامی خواهد رسید.

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود



## خواسته‌های کشاورزان دماوند

خواسته‌های کشاورزان دامداران کهک، بهر، لپش مومج، دهناز، هویر ازتوابع شهرستان دماوند درنامه‌ای که بدفتر «مردم» رسیده، مطرح گردیده‌است.

این خواست‌ها عبارتند از:

- ۱- لنو کلیه دیون و بدهی به بانک کشاورزی،
- ۲- ایجاد راه
- ۳- پرداخت دام درازمدت به کشاورزان دامداران جهت کسرتش محصولات.
- ۴- ایجاد مدارس در روستاها.
- ۵- ایجاد امکانات پزشکی و بهداشتی و تأمین درمانی رایگان.
- ۶- واگذاری وسایل کشاورزی ام از تراکتور و بذر مرغوب.
- ۷- خرید محصولات کشاورزی ازطریق دولت.
- ۸- ایجاد آب لوله‌کشی وبهداشتی درروستاها.
- ۹- ایجاد شبکه برق وواگذاری آن.

۱۰- ایجاد شرکت و بانک تعاونی.

با توجه لزق انقلاب ودرحین آن امام خمینی وخلق قهرمان ایران و نقش دهقانان وکارگران آغازمی‌شود و با شعار دربرابرانقلاب ایران پایان میپذیرد.

## زمینه‌های دهقانان بزمینان باید بخود آنهاپس داده شود

طومار بزرگی با ۷۳ امشاه و اثس انگشت‌بنمایندگی از طرف سه هزار نفر اهالی دهستان بزمینان، بخش سردشت شهرستان آمل، به دفتر «مردم» تسلیم شده است. صحت‌امشاه واثی انگشتو مراتب‌نامه توسط دهبان قریه تأیید گردیده است. در نامه منجمله چنین گفته می‌شود:

«در بهمن ۱۳۵۲، ۸تن سرسپردگان رژیم مغفوق‌پهلوی، با استفاده از نیروهای انتظامی سازمانامنیت (توسط کابلی از سرورگان ساواک مازندران) وادسرای نظامی وپوسله شکنجهو آزار وتهدیدوارعاب وهتک حیثیت، جانوامالو ناموس اهالی، حدود سدههکتارراز اراضی مزروعی را بهفرواجبار از چنگ مسا بیرون آوردند. بدین نحو که ابتدا به بهانه عدم پرداختاقساط پهنی شرکت تعاونی وابسته بهبانک عمران، اقساط چند ساله را بیکجا باجرا گذاشتند و نذران نفرا از بزمنندان گذاشتند. هزمان‌با این اقدام خرمتهای افراد را ضیظ نموده واز جمع‌آوری محصول وخرن‌کویی جلوگیری کردند. همچنین برای ایجاد عقب‌وهراس وسیله‌ندسای ازچاقاداران، مال وناموس افراد را درمعرض تهدید قراردادند. حتی چندین نفررا از اهالی را مورد ضربوشتم قراردادند وعهده‌آورا در م اسطهل‌ها زندانی ساختند وجهار نفر ازمتمتدین محل را با سازمان امنیت بردند. رئیس هیئت مدیره شرکت تعاونی نیز گشت آقایان برای شاهپور غلام‌رضا وشریک‌ایشان،زمن شمارا میخواست.»

در دنیه‌ا طومار دهقانان بزمینان گفته می‌شود، ما مردم ستم‌دیده ومظلوم قریه، که‌دیگر هیچگونه تأمین ناموسی‌وشرفی وجانی‌نداشتیم وحقی قوت لایوت خود را نیز از دست دادیم. سرانجام باشرط چوب وچاقا واسلحه، مارا گسروه‌گروه بشهر آمل آوردند و دردفترخانه شماره ۳۴ آمل از ما امضاء گرفتند. حاصل آنکه بدین وسیله ۳۰۰ هکتار از اراضی مزروعی ما را تصاحب کردند ودرقبال آن به ما گفتند که بدهی چند ساله شماراویا نیزعمان‌پن‌پرداخت کردیم وبدینتص تهب‌عهده‌ای ازنامبردگان صاحب اراضی شدند وعهده‌ای دیگر حدود دویلمیون تومان وجسوه حاصل از فروش اراضی را به بهانه پرداخت بدهی بالاکشیدند. حقیکیات ما هم دردوره طاغوت بجائی نرسید. برونده و استاد مریوط به معاملات وبالاکشیدن اموال عمومی مردمقریه بزمنیاندر دفترخانه ۳۴ آمل و سرپرستی بانسک عمران استان مااضد و موجود است که جهت احیای حقوق خود تقاضای بررسی وتحقیق آنها را جنایات فوق شدند، احقاق حق ونظلمات ما بجائی نرسید.

دهقانان بحق خواستار ابطال ماملات اجباری اراضی و بازگرداندنزمین‌به‌صحابان اصلی‌آن، یعنی خود زارعین ومجازات سرسپردگان دستگاه مغفوق وادبایدشاهپورغلام‌رضاشهددمی‌نویسند، «الان که انقلاب اسلامی بیروز شده، انتظار ما ایست که درجهت حمایت ازحقوق‌حق‌ماومجازات متجاوزین بحقوق عمومی اقدام‌عاجل معمول گردد.»

تکراراً ازجانب‌دهقانان ما ساله به‌مردم» مراجعه شده‌است. این دهقانان میطلبند که حقوق مسلم آنها بر زمین ازطرف مقامات مربوطه برسنت شناخته شود . ایسن زمینها مال خود این دهقانان بود، ولی در زمان رژیم غارتگر پهلوی، یکی از عمال ساواک بنام

## اخبار دهقانی

## چند خبر از روستاهای اطراف الیگودرز

■ روستاهای علی‌آبادقاسم‌آبادومکی‌آبادولس وحشیوبید، که در ۱۸کیلومتری شهرستان الیگودرز قرار دارند، بوسیله شرکت زراعی کشاورزی اداره می‌شدند. اکثر کشاورزان صاحب نسق‌این روستاها هر کدام ۳۰ الی ۱۰۰ سهم دارند . کشاورزان معمولاً سالیانه درقبال هر سهم حدود ۲۰کیلوگدم میگرفتندوچون شرکت کار به شهرستانها پروند. پس‌ازپیروزی انقلاب، اهالی این‌روستاها مجمع‌عمومی تشکیل‌دادندو جهت بیون‌نشر کتزرزاعی‌رای‌گرفتند که‌اکثر پید‌ای‌بمحمل‌شدن شرکتزرزاعی‌درآن منطقه‌داد. کشاورزان هرروستا‌زمین را به تمداد سهم خود تقسیم وشروع بکار نموده‌اند.

■ در ایسن چهارروستا شرکت سهامی قیلا به نوبت‌وامی جهت‌خانه‌سازی دریگ هزرگ‌پرداخت می‌کند. تمدادی ازخانواده‌ها، که امکانات مادی‌داشته واز وام بهره‌مند شده‌بوند، به این‌شهرک منتقل شدند ورتبه، که اکثرآ خانواده‌های بی‌چیز وکم‌دست‌اند،در همان محروم‌های دما‌نداند. کسانیکه به‌شهرگ رفته‌اند، تهر‌های چوبی ودر پینجه‌را خانه‌های گلی قلیی خود را جهت‌استودن‌شخصی کشیده‌اند ودر نتیجه خانه‌هایی که تخلیه‌شده‌اند، روی‌هم ریخته و خراب شده‌اند . اما خراب‌خانه‌های گلی روستاها به هم متکی هستند، لذا خطر خراب شدن خانه‌کسانی که هنوز در آنجا زندگی می‌کنند، شدیداً آنها را ناراحت و مضطرب نموده‌است.

اهالی روستای علی‌آباد ۲ نفر نماینده، انتخاب نموده وچری‌ادامی گزارشی، که به‌امشاه ۶۰ نفر خانواده رسیده بود، به نخست‌وزیری وکمیته امام اطلاع داده و تقاضا نموده‌اند، یا به‌آنها هر چه زودتر وام پرداخت گردد ویا ازطریق خودشان برای آنها مسکن بسازند. ولی باین‌یکه نماینده دولت به‌آنها اعزام شده ورضع اسفبار آنها را تأیید کرده، پس‌از ۳ماه هنوز هیچ‌اقدامی دراین مورد بعمل نیامده است. تحقیق نشان می‌دهدکه ما لگ‌بزرگ ده‌کارشکلی کرده‌است.

■ در روستای علی‌آباد صدها هکتار زمین بسیار حاصلخیز، که‌مالک آن شخصی بنام منوچهرشاهپور است، درگفته‌بلاستفاده باقی مانده وروی آن کشاورزی بعمل نمی‌آید، زیرا که مالک آن، هعل ویکتوریا را درتهران خریده، ومشتول هتل‌داری بود. طبق دستور امام خمینی که گفته بود زمینها راکنند بکارید و نگذارید بلااستفاده‌مانند، تمدادی خوش‌نیت‌هایاین روستا (کسانیکه‌زمن‌مندارند، وبصورت‌کارگی مزدبگیرکار میگردند) روی این زمین‌ها کارکرده و بئر یابیدند، ولیمالک باحکم دادسرای وچند نفرمامور بسگاه بده‌آنها، زمین را از دست این زحمتکشان گرفته وآنرا شخم زده وحملات آهارا، که طبق دستور امام میباید در یک‌کام حداقل‌اجحیاجاتیکه برای حیات یک انسان، بعنوان ضرورت اولیه زندگی لازم است، محروم بوند.

حال که انقلاب ایران، بیاری نبرد قهرمانانه مردم این‌منطقه، دراتحاد با دیگرزحمتکشان ایران، به پیروزی رسیده وبا توجه به اینکه ساکنین این‌منطقه، بنا به توصیه وچرا انقلاب، سیر انقلابی پیش نموده، خواسته‌های خود را تاکنون فقط ازطریق مکاتبه با مسئولان امور دولتی درمیان گذاشته‌اند، با اینهمه دولت موقت هیچ اقدام مثبتی‌درجهت خواسته‌های زحمتکشان این‌منطقه نگرده‌است.

### دهقانان صفر آباد خواستار آب و برق‌اند

بعد از اصلاحات ارضی شاه مخلوع در سال ۱۳۴۱ در س‌الهای بعد از آن، سیل دهقانان مقروض وبخاک سپاه نشسته بسوی شهرها و سرازک صنعتی‌کارگری سرازای شد. عده‌ای از روستائیان اطراف زنجیان نیز خانه وکاشانه وزمین‌های دیمی و بی‌باز خود را رها کرده بشهر مهاجرت نمودند. بدین‌ترتیب زورآباد و صفرآباد و ... در اطراف شهر، با خانه‌هایی که باختن خام وگل‌شبهه ساخته بودند، چون قشراق از زمین روئیدند. با اینکه این‌خانه‌ها در دوران پهلوی چندین‌بار روی س‌راه‌الی‌صفرآباد ویران شدند، اما دوباره ویوزارهای علی‌آن، همان شبهه تا لالرفت. صفرآباد از همان اول‌این روزها پیدایش خود فاقه‌آب‌وبرق، این اولدین و ضروری‌ترین احتیاج انسان امروزبود، صفرآبادحی به‌آل‌گل‌آلودی نیز دسترس نداشت تا لاول اهالی درآن لب‌های خود را بشویند . درصفرآباد آب را در بشکه بفروش میرسانند . اهالی صفرآباد روز دوشنبه یازدهم تیرماه در استانداری متحصن شدند تا محل افتتاحن داداری‌آب و برق‌بود. آب‌الی صفرآباد در س‌الهای گذشته در اسی مبارزات خود توفیق‌اند تهر‌های برق را در محل نصب کنند، لوله‌های بدون‌آب راکارگذارند، اما هنوزکه هنوز است صفرآبادآب و برق ندارد واهالی واقفا در مضمقه‌هستند. آنها خواستار انجام خواسته‌ایشان هستند.

## زمینه‌های زراعی ما سال را بخود دهقانان بدهید

سرتپ سادتمند، این اراضی را از دست دهقانان درآورد و بزور تصرف کرد. دست‌عادل انقلاب، این ساواکی مالک را بیعجازات‌خود رساندو امجدوم شد. ولی حالا دهقانان بحق میطلبند که اصل‌مطلب هم حل شود وزمنیه‌های زراعتی بزادگان دهقانان، که زحمت می‌کنند و می‌کارند ودررو نم‌کنند، پس داده شود.

### دهقانان رودسر محتاج آب هستند، باید با آنها فوراً کمک شود

مسئله آب، مسئله‌ای جدی وحیاتی در رودسر است. آبرسانی به‌کشاورزی این منطقه حدود ۲ ماه طول می‌کشد ، که هم اکنون کمتر از یکماه آن باقی مانده و بنا بر این دهقانان سخت مشوش و نگران هستند. در شرایط امروز، که تولیدکشاورزی نه قطع‌امید غذایی و اقتصادی، بلکه ضمیمت اهمیت سیاسی پیدا کرده‌است، لزوم حمایت ازدهقانان زحمتکش این‌منطقه کسلاً حس می‌شود. کشاورزان مساطق روستائی شهرستان رودسر همه ساله در نتیجه بی‌آبی خسارات زیادی رامتحمل می‌کردند.

آنها می‌گویند، «درمحل ما امکانات مختلفی موجود است و اگر در زمان پهلوی توجهی‌باین امکانات وخواسته‌های ما نمیشد ، علت آن معلوم بود، ولی امروزبا کمیه‌بمرد و تصمیم در محل، فرمانداری وبخش‌امریه واداره آبهاری می‌توانند دست‌بمحل‌بزنند و دیگر کافذ بازی اداری را کنار بگذارند . در نامه آنها نوشته شده است: «آیا این مقامات اداری نمایندگان شرکت بز مزارع قضا با اقدامات عملی امکان پذیراست؟ آیا نمایندگند که بوسیله پول‌ها تکیه به‌میزان ۲٪ توسط روستائیان پرداخت شده وموجوداست میتوان نیازهای میرم و ازجمله کم‌آبی

در روستای علی‌آباد صدها هکتار زمین بسیار حاصلخیز،

که‌مالک آن شخصی بنام منوچهرشاهپور است، درگفته‌بلاستفاده باقی مانده وروی آن کشاورزی بعمل نمی‌آید، زیرا که مالک آن، هعل ویکتوریا را درتهران خریده، ومشتول هتل‌داری بود. طبق دستور امام خمینی که گفته بود زمینها راکنند بکارید و نگذارید بلااستفاده‌مانند، تمدادی خوش‌نیت‌هایاین روستا (کسانیکه‌زمن‌مندارند، وبصورت‌کارگی مزدبگیرکار میگردند) روی این زمین‌ها کارکرده و بئر یابیدند، ولیمالک باحکم دادسرای وچند نفرمامور بسگاه بده‌آنها، زمین را از دست این زحمتکشان گرفته وآنرا شخم زده وحملات آهارا، که طبق دستور امام میباید در یک‌کام حداقل‌اجحیاجاتیکه برای حیات یک انسان، بعنوان ضرورت اولیه زندگی لازم است، محروم بوند.

افسریه درجنوب شرقی تهران قراردادر د منطقه‌ای است‌کارگر نشین با جمعیتی درحدود ۱۵۰۰۰۰ نفر. اهالی منطقه در زمان رژیم محمدرضاشاهی ازهر گونه امکانات رفاهی از قبیل، آب، برق، تلفن، بهداری، اسفالت ودر یک‌کلام حداقل‌اجحیاجاتیکه برای حیات یک انسان، بعنوان ضرورت اولیه زندگی لازم است، محروم بوند.

حال که انقلاب ایران، بیاری نبرد قهرمانانه مردم این‌منطقه، دراتحاد با دیگرزحمتکشان ایران، به پیروزی رسیده وبا توجه به اینکه ساکنین این‌منطقه، بنا به توصیه وچرا انقلاب، سیر انقلابی پیش نموده، خواسته‌های خود را تاکنون فقط ازطریق مکاتبه با مسئولان امور دولتی درمیان گذاشته‌اند، با اینهمه دولت موقت هیچ اقدام مثبتی‌درجهت خواسته‌های زحمتکشان این‌منطقه نگرده‌است.

یکی ازاحتیاجات اساسی ساکنین ایسن‌منطقه تأمین برق است که در این‌هوای گرم، از معدودترین نیازهای هر خانواده‌است. مشکلی که مردم این‌منطقه برای تأمین برق مصرفی‌خویش دارند اینستکه، هرشب بعد از آنکه از کار خسته‌کننده روزانه به خانه برمیگردند، باید بسا ساکنین خیابانی‌که در آن برق‌کش‌شده کلاویز شوند، توضیح آنکه بعد ازآنجا بصورت موازی وده مترى به فاصله ۵ متر از هم قراردارند وازیک‌الی ۴۵شماره‌گذاری شده‌اند، مثلاً دریگ خیابان برق‌کش‌شده وچندین‌خیابان بعد از آن بسرق‌کش شده، در نتیجه ساکنین این‌خیابانها ، برای تأمین برق‌خویش، خود اقدام به سیم‌کشی ویا ازخیابانی‌که برق‌کش‌شده می‌باشند، که اولاً بهشت وارد نیون‌کسی‌که سیم‌کشی‌می‌کند، خطر جانی وجود دارد، ثانیاً در نتیجه استفاده بیش ازحد از برق، یا بهیادت دیگر یارتریا، موجب سفیدشدن روشنائی‌و کشیدن ولتاژ، که موجب ازکارافتادن ینجبال وسایل و مسائل برق،‌کی ولتاژ آنها تنظیم شده‌است، می‌شود، واین‌جزایان در موقیبت حساس کنونی تخم‌کین ونفاق می‌باشان می‌افشان.

البته چندین بارمشغله با مقامات مسئول مطرح شده اما حاضریم مجالی‌کارکنیم وهزیه آنرا نوز ببردایم. ولی‌با همه این‌ها هیچگونه اقدامی از طرف مسئولان دولتی صورت نگرفته‌است. سؤال اینستکه، چه‌کسانی‌دست‌اندرکارند تا نظرزحمتکشان را، که سهمی‌واقعی در به‌تیم‌رساندن انقلاب داشته ویکبارچگی‌خود را حفظ نموده‌اند، نسبت به انقلاب بدهین کنند؟ و چسرل بخواسته‌های بحق انسان پاسخ داده نمیشود؟

ساکنان ایسن منطقه می‌گویند، در صورتیکه بخواست انسان رسیدگی نشود، آب دراد در هر دشت به تحمسن خواهند زد.

### توطئهٔ دامنه‌داری که امپریالیسم تدارک دیده:

# کتاب سوزان و حمله وسیع ضد انقلاب به آزادی‌های دمکراتیک

■ **حزب تودهٔ ایران، یک‌بار دیگر، ضمن محکوم کردن حمله به آزادی‌های دمکراتیک، جداً خواستار جلوگیری از اینگونه اعمال است.**

**ضد انقلاب توطئه سازمان یافته‌ای را علیه‌حزب‌تودهٔ ایران و دیگر سازمانهای مترقی در نقاط مختلف به اجرا گذاشته‌است. عناصر مشکوک چندی است درهر‌های مختلف به دفاتر حزب توده ایران حمله می‌کنند، باشیوه‌های فاشیستی وسایل این دفاتر را درهم می‌کنند، پوستر شهدا را پاره می‌کنند و رفقای حزبی مارا مضروب می‌نمایند. درچند شهر هم افراد سازمان یافته ضد انقلابی به کتا‌فروشی‌هایی که نشریات حزب در آن فروخته می‌شود، حمله‌کرده وحتی کتابسوزان برهه انداخته‌اند .**

براساس اخبار رسیده، درچند روز گذشته موارد زیر-ین دیده شده است،

### زنجان

روز س‌ام خرداد گذشته، برای اولون بار بعداز آ‌غآز فعالیت علنی حزب توده ایران درزنجان، عناصر مشکوک به‌ساط فروش نشریات حزب‌توده ایران حمله کردند. آنها که بهمیع‌منطقی گوش نمی‌دادند، پوست رفقای شهید روزبه، حکمت‌جو ، وکیلی و روزنامه مردم را پاره کردند وگریختند. بدنبال این ماجرا ، این افراد کوشیدند مردم را علیه حزب‌توده ایران تحریک کنند، اما بافشاء ومحکوم کردن عمل آنها ازطرف سازمانهای مترقی مذهبی، نشرشان بسنسکه خورد.

### اراک

روز دوشنبه یازدهم تیرماه، هنگامیکه یکی از هواداران حزب توده ایران درخیابان امام خمینی اراک مشغول پخش اعلامیه وحزب توده ایران ومنصب، به نقل از روزنامه مردم سود ، مورد حمله یک ناشناسی‌فرادگرفت وشبده مضروب‌شد. ماجرا بااین‌ترتیب رخ دادکه وقتیرقیق‌ماسرگرم پخش اعلامیه‌بود، فردی به او نزدیک شد وگفت: «بنه بیستم چیزچیزی پخش می‌کنی؟» رفیق ما یک‌اعلامیه به شخص ناشناس داد واین شخص به محض دیدن نام حزب تبوده ایران اعلامیه را پاره کرد و شروع بشنمام دادن نمود وبه رفیق ما پوروش برد. رفیق‌ما باگفت: «اول اعلامیه را بخوانید، اگر ببندید، آنرا پاره کنید.» اما شخص ناشناسی بدون توجه بااین حرف سعی کرد بقیه اعلامیه‌ها را که پخش یارم‌کند، رفیق ما، که متوجه منظور او شده بود، سعی کرد ابرارن را، که متوجه ماجرا شده بودند، در جریان بگذارد واعمال‌شخصی ناشناسرا ا‌افشاء کند. وقتی ابرارن، درمقابل توضیحات رفیق‌ما، حق را اودادند نشخص ناشناسی درحالی‌که به‌حزب دشنام‌های رکیک میداد، یازدهم به رفیق ما حمله کرد و او را بشدت مضروب نمود. شدت حمله بحدی بودکه رفیق حزبی‌ما چند روز در بیمارستان بستری شد.

### پایسر

دربا پلسر هم ضدانقلاب، حمله وسیمی‌را به نیروهای مترقی به انجام رساند. این توطئه توسط چند شخص سرشناس، که سابقه همکاری باساواک داشته‌اند، درمدرسه عالی‌پایسر، که اکنون مدرسه عالی‌دایوب‌معدای نامیده می‌شود، به مرحله اجرا در آمد. آنها بعد ازانتخابات شورای مدرسه عالی‌پایسر، به این‌بهانه‌که شورا بنسبت کمونیستها افتاده ودرنتیجهمدرسه عالی‌پایسر است، فعالیت‌سیسی را علیه نیروهای مترقی آغاز کردند وسرانجام ساعت ۷/۵ بعدازظهر شبیه نهم تیرماه، درحالی‌که نزدیک به ۳۰نفر را، که به قه وچاقو وتیغ مسلح بودند، درامنه‌الی‌می‌کردند، از بیرون وارد محل‌مدرسه عالی شدند . ابتدا بطبقه چهارم رفتندو در آنجا به اتاق دانشجویان پیشکام و دیگر گروه‌ها یورش بردند، وسایل اتاق‌ها را درهم‌شکستند ومقدار زیادی لوازم دیگری را هراه بردند.

این گروه مشکوک، درسال نادافسکه عکس‌شده‌ای خلق را، که درمبارزات با رژیم شاه مخلوع خون‌خوار با پیشکام توده‌ها‌مدی کرده بودند، پاره کردند. و بعد به دفترانجمن دانشجویان دمکرات حمله بردند، نشریات وکتابهای موجود را پاره کردند، وسایل‌دفتر را درهم شکستند وروی تمام دیوارهای مدرسه عالی‌شمارهای ضد کمونیستی‌نوشتند، جالب اینکه ساعت بعد ازهجوم ایسن‌عناصر مشکوک، مأمورین کمیته فرهنگ‌پایسر به پشتیبانی ازحمله‌کنندگان به محل‌آمدند وتا پایان عملیات وحشیانه ضدانقلابی‌و کشیدن آنها پشتیبانی کردند .

روزبهد دانشجویان دمکرات و دیگر گروه‌های مترقی‌مدرسه عالی پایسر، در اعلامیه‌های خود ایسن یورش وحشیانه را محکوم کردند. اما، صبح روزبهد، این گروه، درحالی‌که شمارهای ضد کمونیستی میدادند، دوباره به محل‌مدرسه عالی‌آمدند ویکسی از عناصری‌که قبلاً باساواک همکاری می‌کرد، در ایطاقن سخنرانی کرد که البته چیزی غیر از افرا وفضائی به کمونیست‌ها نبود. بدنبال این

### توطئهٔ دامنه‌داری که امپریالیسم تدارک دیده:

# کتاب سوزان و حمله وسیع ضد انقلاب به آزادی‌های دمکراتیک

پورش امتحانات مدرسه عالی‌پایلسر متوقف شد و استادان واعضای هیئت علمی، که توسط ضد انقلابیون تهدید به تکه تکه شدن با چاقو شده بودند، برای مطلع کردن مقامات مسئول بسه تهران رفتند.

### بروجرد

شب یازدهم تیرماه هم شبیه این‌حوادث در بروجرد تکرار شد. ساعت ۱۱ شب، گروهی باشماره مرکب ر کمونیست» بخیا‌بانها ریختند و ضد آتش زدن کتا‌فروشیها و دک‌های فروش نشریات‌را داشتند که با مخالفت یک‌گروه من‌حبی روبرو شدندومترقی‌گردیدند. ساعت ۸ شب بعد، گروهی نزدیک به ۵۰ نفر بهخیابان مرکزی‌شهر ریختند و در حالی‌که شمار امشب هشدار، فرداگشتاره و همچنین ش‌ده‌های ضد کمونیستی میدادند، به‌حرکت درآ‌آمدند و برخی از روزنامه‌هایی را که در دک‌های روزنامه فروشی شهر وجود داشت، پاره‌پاره کردند. این‌گروه که تعدادشان بهنزديك ۳۰۰ نفر رسیده بود، سپس به میدان بروجردی رفتند تا سپسماً دادیوش را، که یک فیلم‌آموزنده نشان‌میداد ویر از تماشاچی‌بود، آتش‌پزند. تماشاچیان سپسماً، که از تکرار حادثه سینما رکس آبادان هراس داشتند، سراسیمه بیرون ریختند. مخالفت مردم و دخالت کمیته باعث شد که مهاجمان از تصمیم خود منصرف شوند.

ب‌طرف کتا‌فروشی نهما در خیابان صدق رفتند و شیشه‌های آنرا شکستند. مهاجمان بمخوش‌استند کتا‌فروشی‌را آتش بزنده‌که بااعتراض شدید همسایه‌ها روبرو شدند و بناچار منصرف گردیدند. مهاجمان، که عده‌ای مسلح هم هم‌راشان بودند، به‌کتابفروشی روزبه، که در آن‌انشاریات حزب‌توده ایران فروخته می‌شود، حمله کردند، شیشه‌های کتا‌فروشی را شکستند، همه نشریات وکتاب‌های موجود، از جمله مقادیری کتا‌های من‌حبی را بوسط خیابان ریختند و به آتش کشیدند. براساس اخبار رسیده، مسافه ده‌ره‌مان مهاجمان، چند تن از افراد کمیته بروجرد و یکی از سرپاسداران، که قبلاً ما نفع‌اعمال شد دمکراتیک میشدند، دیده شده‌اند. روز بعد، بسا اینکه بعد از کتا‌فروشیهای شهر بسته بود، گروهی نزدیک به ۲۰ نفر، با همان شمارهای شب قبل در خیابانها حرکت کردند، اما درگروهی پیش نیامد.

بدنبال این‌حوادث، مسئولین کتا‌فروشیها دستجمعی‌به کمیته رفتند و خواستار حفظ آزادی و امنیت محل کسب‌وکار خود وتعیب مسبین‌حوادث چندروز گذشته‌شدند. مسئولان کمیته بروجردضمن تأیید آزادیهای دمکراتیک ومحکوم کردن اعمال انجام‌شده، تهدس‌بردند که درصورت تکرار این وقایع، مأمورین مسلح کمیته دخالت‌خواهند کرد. اما دوش‌بعد، بازم چند نفرمشکوک با چاقو‌به‌کتابفروشیهای کتار خیابان‌ حمله کردند ، با این‌که تلفتی ماجرا به کمیته خبر داده شد، کمیته بر خلاف قولی‌که داده بود، هیچگونه عکس‌المصلی نشان نداد.

گروه اسلامی شریعت، طی اطلاعیه‌ای این اعمال را محکوم کرد ونوشت: «شب گذشته برای سومین بار شاهد نفوذ ارتعاب و عوامل ضد اسلامی و ضد دستگ‌های اج‌سرائی شدیم. تطاهرات عده‌ای افراد آگاه و تحریک‌شده بوسیله افراد مرتجع وضدانقلاب اسلامی، منجر به آتش‌کشیده شدن کتابها وتخریب کتا‌فروشیهای وابسته به چپ‌گردیده.»

دوخل حاضر از کتا‌فروشی بروجرد، تنها ۲ کتا‌فروشی باز است.

#### تهران

این حوادث، که بیگمان توسط ضدانقلاب تدارک دیده‌شد، تهدادشهرسنا‌ها اتفاق نمی‌افتد. روز یازدهم تیرماه فردمشکوکی در یکی از کمیته‌های تهران هم نشریات حزب ما را آتش‌کشید. ماجرا از این قرار بودکه وقتی یکی از رفقای ما در میدان شوش سرگرم فروش مردم و دیگر نشریات حزب بود، چند فرد مشکوک مزاحمش شدند و چند دقیقه بعد دو مأمور کمیته از راه رسیدند و به رفیق ما گفتند: «فروش روزنامه مضر ممنوع است.» رفیق ما به آنها گفت: «طبق قوانین جمهوری‌اسلامی ایران فروش نشریات‌آزاد است و باخاضاف روزنامه مردم مطلب کمه ندارد.» دو مأمور از رفیق ما خواستند برآه، توضیح پیشش به کمیته بدهد. اول او را به کمیته خیابان جنوبی میدان شوش بردند. شخصی که آنجا بود، در قبال توضیحات رفیق ما گفت: «دانشتن من از سیاست سررد نمی‌آوردم! رفیق ما را از آنجا به کمیته میدان خراسان بردند و چون در آنجا هم نتوانستند تصمیم بگیرند، او را به کمیته مسجد لژراه‌فرستادند. مایع اجرای توطئه‌های ضددمکراتیک شوند ل‌هر چه زودتر کمیته‌ها را پاک سازی کنند.

### پوستر پاره کن‌ها

## چه کسانی هستند؟

در شماره ۳۷ روزنامهٔ «مردم» مطلبی تحت‌عنوان «پوستر پاره‌کن‌های ح‌سره‌ای را دستگیر کنید»، نوشته شده بود که در آن لزوم مبارزه با این عناصر تشریح شده وازجمله در مورد هویت این افراد گفته شده بودکه: بیشتر اینها از اوباشان، معتادان و ولگردان هستند. در آن مشا‌لمحمدتین آمده بودکه اینها بصورت گروه‌های انگشت‌شماردردخیابانها پوستر‌ها وکسان‌هایی را که بیدوآز زده‌شده‌اند، پاره می‌کنند واز ترس عکس‌العمل مردم بسرعت فرار می‌کنند واغلب‌اتومبیلی برای گریز از صحنه به‌همراه دارند.

گزارشهای بدی، ماهیت واقعی این عناصر را بیشتر روشن ساخت و آشکار شد که این عناصر، بویژه آنها تکیه به پوسترها و نشریات د‌یواری حزب‌تودهٔ ایران هجوم‌می‌برند، از افراد ساواک‌اند و طبق مأموریت مشخص و بگو‌ن‌سازمان یافته‌ای به این عمل دست می‌زنند.

یکی از گزارشگران «مردم» مینویسد:

«روز پنجشنبه ۲۱ تیرماه، ساعت ۱۳/۱۵ ازمحل کارم بطرف دانشگاه تهران می‌رفتم. به دوفتر، که درحدود ۳۵ سال سن داشتند، برخوردیم که سرقاله‌ای‌از «مردم» را، که بردیوار بانگسلی ایران‌وجولی‌دیبرستان‌اونوشروان‌ادگر، بروی هتل پالاسی چسبانده بود، پاره‌م‌کردند. هنگامیکه به‌آنها اعتراض کردم، ابتدا گفتند: «اینجا کشور اسلامی است و ما همهٔ اعلانات حزب‌توده را پاره می‌کنیم». در این‌موقع دیگری شروع به فحاشی به‌حزب تودهٔ ایران‌کرد. من باو گفتم: «اگر توطئه‌فدا اسلام هستی، اسلام هیچگاه چنین‌طرز برخوردی را با گروه‌های دیگر مجاز نمی‌شمارد، این چه اسلامی است‌که توداری؟» آنها مجدداً شروع‌به‌فحاشی کردند و ناگهان گفتند که: «ما ساواکی هستیم و همهٔ اعلانات حزب توده را پاره می‌کنیم.» من درصدد بودم بآدم‌زدن او، به‌کم‌که بطلم و بوسیله مردم آنها را دستگیر کنم. ولی در آن‌موقع روز هج عبودمروم‌ری در آن محل نبود و من هم به‌نتهایی قادر به‌این‌کار نبودم. آنها سپس‌بطرف یک اتومبیل ب‌ام. و ر قه‌وای رنگ رفتند.»

ازگزارش فرقت، که بدین‌صورت نوشته‌شده‌است، معلوم می‌آید، نخست‌آنکه ضد انقلاب برآمده‌کلا سازمان یافته‌ای بویژه در ارتباط با مبارزه علیه حزب‌تودهٔ ایران طرح‌ریزی کرده و با پیگیری آنرا دنبال می‌کند. دوم‌این‌که ماهوت عناصری که بداتر حزب و فروشندگان نشریات حزب حمله‌می‌کنند، روشن‌تر می‌شود. سوم اینکه دخالت قاطع و سریع دولت در ممانعت ازاین‌گونه اقدامات‌ضدانقلابی ضروریتر می‌گردد. چهارم این‌که ضد انقلاب چسورت و بی‌پروا‌تر شده، واحدی که صریحاً به‌اعمال‌ضدانقلابی وماهیت‌کثیف خویش اعتراف وخودرا معرفی می‌کند.

هیچکس تردید نداردکه سازمان جهمی و چناپتکار ساواک، دست پروردهٔ «سپاه» و اجراء‌کنندهٔ طرح‌های آنست و در این واقعیت هم تردیدی نیست‌که هرچه انقلاب ایران ضریات محکمتری بر متافع انقلاب‌پایلسم آمریکا ووا‌بستگان داخلی آن وارد می‌کند، ضدانقلاب نیز‌خشمناک‌تر ومضطرب‌تر شده و اقدامات خود را شدت می‌بخشد.

چند‌هزار ساواکی با جدیت تمام به اجرای طرح‌ها و توطئه‌ها و تحریکات سازمان یافتهٔ سپا مشغولند و در این راه زیانه‌ای جدی به انقلاب ما وارد می‌سازند. تجربه‌نشان داده که این عاملان‌کثیف وچناپتکار ضدانقلاب‌واین‌حامیان فساد و اختناق، بزرگترین تکیه‌گاه امپریالیسم در کشورما هستند و در خدمت به‌آن از هیچ‌گونه رذالی‌ا ندارند . دولت‌موقت موظف‌است با پیگیری‌وی‌بر‌خوردن‌مسئولانه، ساواک‌ها یعنی، عمال چناپتکار رژیم تبهکار پهلوی‌را متعقب و باهم‌جارات در خورشان برساند. آزادی ایشان بزرگترین خطر این انقلاب ماست.

ضد انقلابی» است، اما در مقابل استدلال رفیق ما، حرف آخرش را زد وگفت: «آزادی قلم و بیان فقط باید برای اسلام وجودداشته باشد.» بعد دستور داد روزنامه‌ها و کتا‌ب‌های رفیق ما را آتش‌بزنند و پاسداران هم همین‌کار را کردند. حزب توده ایران، یکباردیگر ضمن محکوم کردن اینگونه اعمال، اعلام میداده، ادامه حمله به آزادی‌های دمکراتیک بیش از همه بسود ضد انقلاب مامع می‌شود. امپریالیسم و ارتجاع نه فقط از این اعمال بسود هد‌های شوم خود سوه استفاده می‌کنند، بلکه‌بوسیلهٔ عمال خود در سازمان‌دادن این اعمال ضد انقلابی دست‌دارد. از طرف دیگر مرتزک‌بندین بین مسلمانان وغیر مسلمانان، توسط برخی عناصر مشکوک که در کمیته‌ها نفوذ کرده‌اند، به نفع مردم می‌انجامد و این‌آن چیزی است‌که امام خمینی بحق آنرا سم مهلک برای انقلاب میداند.

ما از مسئولان مملکتی جداً می‌خواهیم که با قدرت مایع اجرای توطئه‌های ضددمکراتیک شوند ل‌هر چه زودتر کمیته‌ها را پاک سازی کنند.



# از اخگر شعله بر میخیزد

ای آتش نمائده به خاکستر زمان!  
ای گشته از دم تو روانهای سرد، گرم!  
ای آهن از تو تفته و پولاد از تو نرم!  
از تند باد حادثه، در پهنه جهان  
میباش درامان

\*\*\*

هر دم ز پرتو دگری میدمی نوید  
آری تو، ناظر افق بی‌نهایتی  
آیینت تمام نمای هدایتی  
جام جهان نمایی و تصویری از امید،  
از چهرهات پدید

\*\*\*

ای کارگر به رهبریت دیده دوخته!  
ای دیهقان به گنجه نغزت گشاده گوش!  
دانشور از پیام تو سرتا بپا به جوش!  
آزاده از فروغ تو، دل بر فروخته!  
خودکامه سوخته!

\*\*\*

پنهان ز دیده بودی و با دل گرفته خوی  
ای رهنمای دیده و ای چاره ساز دل!  
هرگز جدا نبوده‌ای از دیده یا ز دل  
ای دل پناه برده به تو، دیده کرده روی!  
تا بو به گفتگوی!

\*\*\*

گر غیر، نام تو نبرد بر زبان چه باک  
غیر است و غیر به که برد رنج در سکوت  
ز آنجا که میدهد خیر از مرگ هر سکوت  
بگذار تا رسد ز سکوتی هراسناک

\*\*\*

خشم ترا هلاک

\*\*\*

تو آتشی و خصم شمارد شرارهات  
غافل که شعله خیزد از این اخگر گران  
گر منکر فروغ تو اند این ستمگران،  
بگشاده باد چشم جهان بر نظارهات  
رخشان ستارهات

\*\*\*

در راه تو، چو روزه، انسان راستین  
بسیار بوده‌اند ظفر مند و بی شکست  
تا بوده، بوده راه تو و باز نیز هست  
ز انگلیس تا بمارکس از مارکس تا لنین  
وز روم تا به چین

\*\*\*

سرباز تو، به حکم تو، چون اسب رزم، راند  
پیل ستم، به درگه تو، رخ به خاک سود  
هم، آمد از فراز، وزیر غضب فرود  
هم خویش را پیاده به رخس ظفر نشانند  
هم شاه مات ماند

\*\*\*

یاد آیدم که آرزویم بود تا مگر  
یابم ز (سازمان جوانان) به (حزب) راه  
از بامداد تا شب و از شام تا بگاه  
بودم در این امید بهر کوچ و گذر  
با حزب رهسپر

\*\*\*

نه خورد و خواب بود مرا و نه جای خواب  
با بحث داشتم سروکار و کتاب و کار  
باور مرا نبوده روزی هم آشکار  
پرسش کنم ز حزب و از او بشنوم جواب  
در راه انقلاب

\*\*\*

طبع جوان به مکتب زندان گهر نشانند  
رخشنده آنچنانکه بپاید به کار حزب;  
(شش شرط اصلی است که گردش شعار حزب  
آن حزب را توان که لنینیسم حزب خوانند)  
وز او جدا نماند

\*\*\*

## از طریق توطئه دامنه‌داری در رنگین نامه‌ها:

# ضد انقلاب بختیار را نامزد ریاست

## جمهوری ایران کرد!

■ با انتشار لیست ساواکیهای مطبوعات،  
گردانندگان ضد انقلابی رنگین نامه‌ها را  
افشاء کنید.

■ رنگین نامه‌ها، بختیار خائن را «قهرمان  
انقلاب ایران» معرفی میکنند.

آن بخش از ضد انقلاب، که با استفاده از برخی مطبوعات جنگ  
گسترده‌ای را برای بی‌حیثیت کردن انقلاب آغاز کرده، هر روز  
بی‌پروانه به میدان می‌آید. رنگین نامه‌هایی که سالیان دراز مدافع  
چنایات شاه خائن و مبلغ فساد و هرزگی بوده‌اند، اکنون تمام  
امکانات خود را در اختیار سرسپردگان «سیاه» گذاشته‌اند که میکوشند  
آب رفته را به جوی برگردانند. آنها به شیوه‌های گوناگون در باره  
ارزشهای ضد انسانی رژیم گذشته تبلیغ میکنند و میکوشند آن ارزشها  
را که انقلاب خونین مردم به زباله‌دان تاریخ انداخته، انقلابی‌نشان  
دهند، آنها را حفظ کنند و در صورت امکان بازگردانند.

این تبلیغات از «انقلابی» نشان دادن خوانندگان معلوم -  
الحال دستگاه فساد شاه مخلوع شروع میشود و نامرئی شاپور بختیار  
مهره سرسپرده «سیاه» که هزاران تن از مردم دلاور ما را به شهادت  
رساند، به عنوان «قهرمان انقلاب ایران»، ادامه پیدا میکند.

«مردم» اولین نشرهای بود که این توطئه شوم ضد انقلاب  
را فاش کرد و نوشت که، ضد انقلاب تلاش سهمی را برای اعساده  
حیثیت شاپور بختیار آغاز کرده است و خواستار افشای این توطئه  
شد.

خوشبختانه وزارت ارشاد ملی به این هشدار حزب توده ایران  
توجه کرد و گوشه‌ای از این توطئه را در یک برنامه تلویزیونی به  
اطلاع مردم رساند، توطئه‌ای که در آن، ضد انقلاب بدستور اربابان  
آمریکائی خود، میکوشد «بختیار» را از خیانت به انقلاب ایران  
تبرئه کند و حضرت «مرغ طوفان» را، که سرانجام طوفان انقلاب  
اورا چون هزاران مهره خیانتکار از سر راه خلق های ایران جارو  
کرد، «خادم» و «انقلابی» جانزند.

بختیار، این سالوس هزار چهره، در واقع یکی از صدها مهره  
امپریالیسم خونخوار امریکا بود. او وقتی مرغان بیقراری آزادی  
خبر از رسیدن طوفان انقلاب به ایران دادند، مأمور نجات تخت  
سلطنت خونین شاه مخلوع شد.

این تلاش تا آخرین روزهای سلطنت شاه خائن هم ادامه  
داشت.

بختیار به محض آنکه به فرمان شاه نخست‌وزیر شد، کوشید  
تا آخرین پرده سناریویی را که «سیاه» و «پنجاهگون» نوشته بودند و ژنرال  
هويزر آمریکائی از نزدیک در تهران کارگردانی میکرد، با تمام  
وجود اجرا کند. شاه خائن، که دیگر ادامه حضورش ممکن نبود،  
برای اجرای این سناریو از ایران فرار کرد و بختیار جایش را  
گرفت. او برای متفرق کردن صفوف متحد مردم، از «فاشیسم مذهبی»  
که در راه است، سخن گفت و سعی کرد مردم را از «دیکتاتوری  
نملین و عیسا» بترساند. مردم که غم‌زده بودند رژیم شاهنشاهی را  
دفن کردند، پاسخ یاروهای او را با تظاهرات میلیونی و شمارهای،

- بختیار، نوکر بی‌بختیار  
- دولت بختیار، حیل جدید شاه است

با همان وحدت و نظم دادند. بختیار که دید مردم نقشه‌های  
او را برای نجات شاه خائن نقش بر آب کرده‌اند، مانند اسلاف خود،  
هویداها و آموزگارها و شریف امامی‌ها و ازهاریه‌ها، مردم را به  
گلوله بست و تنها در یک روز، در نزدیکی دانشگاه، دهها نفر  
را بشهادت رساند.

بختیار آنچنانکه شایسته یک نوکر سرسپرده تمام عیار است،  
تا آخرین لحظات سعی کرد انقلاب ایران را متوقف کند. او تنها  
به توصیه‌های امام برای استعفا، جواب‌های گستاخانه داد و اعلام  
کرد که با رهبر انقلاب مقابله خواهد کرد، بلکه فرودگاه را برای  
امام بست. فقط قهقار مسلحانه مردم، که انقلاب را پیروز کرد، بختیار  
را ناچار به ترک پست نوکری «سیاه» کرد.

رنگین نامه‌ها میکوشند این واقیعات را تحریف کنند. یکی  
از آنها که مدعی است که بختیار میخواست با کمک سازمان چریکهای  
فدائی خلق علیه ارتش کودتا کند (۱) فدائیسان خلق این دروغ  
بزرگ را تکذیب کرده و آنرا توطئه امپریالیسم خوانده‌اند و

ای سالها ز حزب به ظاهر جدا شده ا  
ای همچو جان دوباره در آمیخته بدوا  
ای بوده سالها (من) و با (من) بگفتگو!  
ای از (من) آمده بدر و باز (ما) شده ا  
با توده‌ها شده ا  
بر نهضت من و تو وما و شما درود  
پیوسته استوارترش تار و پود باد  
از من، به حزب توده ایران درود باد  
تنها نه از من، از تو، ز هر آشنا درود  
از خلقها درود

خرداد ۵۸ - موج

### حجت الاسلام حاجی رضی شیرازی مورد اصابت گلوله تورپست‌ها قرار گرفت

حدود ساعت ۲ بعد  
از ظهر روز یکشنبه ۲۴ تیر  
ماه ۱۳۵۸، در محل تقاطع  
خیابان عباس آباد و  
خیابان مصدق، در جلو  
بیمارستان ۵۰۱ ارتش،  
چنانکه ملاحظه میشود  
ضد انقلاب عملیات تروریستی  
خود را توسعه داده است.  
ما بار دیگر جدأ از مقامات  
مسئول خوارستاریم که  
تدابیر قسطنطینی برای  
جلوگیری از عملیات  
تروریستی اتخاذ کنند.

# برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق